

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۳۰

پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۱۴

## نقش مذهب، معنویت در جهانی شدن

رضا طهماسبی\*

جبار باباشاهی\*\*

### چکیده

جهانی شدن موجب گشوده شدن مرزهای کشورهای به روی یکدیگر و سهولت مبادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. اما جهانی شدن بدون توجه به ارزش‌ها، مذهب و معنویت، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، دین و مذهب به عنوان یک عامل انسجام‌دهنده بین افراد که در برگیرنده ارزش‌ها و اخلاقیات است و معنویت نیز به عنوان عاملی که معنادهنده به زندگی است، نقش مهمی در جهانی شدن دارند. از این‌رو، مقاله حاضر به بررسی نقش مذهب و معنویت در جهانی شدن می‌پردازد. بدین منظور ابتدا جهانی شدن و تاریخچه آن مورد بحث قرار گرفته، سپس معنویت تعریف شده و تفاوت آن با مذهب بیان می‌شود و در نهایت نقش مذهب و معنویت در جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، مذهب (دین)، معنویت

\* - دانشجوی دوره دکتری رشته مدیریت دانشگاه تهران

\*\* - دانشجوی کارشناس ارشد رشته مدیریت دولتی دانشگاه تهران

## مقدمه:

کمتر پژوهشی در علوم اجتماعی دیده می‌شود که به موضوع جهانی شدن پرداخته باشد. پژوهشگران علوم سیاسی، اقتصاددانان، پژوهشگران مدیریت و ... بیش از دو دهه است که پدیده جهانی شدن را مورد بحث قرار می‌دهند. با این وجود هنوز در مورد عوامل اثرگذار بر جهانی شدن و هم چنین پیامدهای آن اتفاق نظر وجود ندارد. جهانی شدن شیوه مصرف، کار، تفریح و به طور کلی زندگی انسان‌ها را به شدت تغییر داده است. اندیشمندان در تشریح اثرات عمیق جهانی شدن عنوان می‌کنند که جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهایی است که موجب تحولات و تغییرات بنیادی در روابط و فعالیت‌های اجتماعی شده و منجر به بهم پیوستگی و یکپارچگی در سطح جهانی گردیده است (Prabhu, 1999). واژه‌هایی مانند بهم پیوستگی، بهم وابستگی، یکپارچگی، جهانی شدن، جهانی‌سازی و از این قبیل اصطلاحات برای تشریح این تحولات به کار می‌رود (Beck, 2000). واژه یکپارچگی اشاره به تلفیق و پیوستگی از روی تمایل دارد. از معنویت نیز به عنوان بهم پیوستگی و پیوند نام برده می‌شود. سویک (۲۰۰۴) معتقد است که یک بخش عمده‌ای از معنویت احساس همبستگی و مرتبط بودن است (Swick, 2004). در جوامع سکولار و مدرن، معنویت پدیده دوباره کشف شده‌ای است که در جهان بسیار مادی‌گرای امروزی گم شده یا حداقل پنهان گشته است (Hinnells, 1995). بیان شده که همه نظام‌های اجتماعی در چیزی تحت عنوان معنویت مشترک هستند و با این‌که به ادیان و مذاهب مختلفی تعلق خاطر دارند ولی در معنویت اشتراک دارند (ملکیان، ۱۳۷۷). میتروف و دنتون (۱۹۹۹) عنوان می‌کنند: "ما بر این باوریم که آنچه بشریت و انسان‌ها در این وضعیت بحران‌زده با آن مواجه است، انتخاب این نیست که چگونه توسعه و پیشرفت نماید، بلکه بقای بشر وابسته به معنویت است" (Mitroff and Denton, 1999). در مجموع، اهمیت و ضرورت معنویت در سازمان‌های امروزی آن‌چنان است که می‌تواند برای سازمان‌ها، انسانیت؛ برای جامعه، فعالیت؛ و برای محیط، مسئولیت به ارمغان آورد (Gibbons, 2001). معنویت، مذهب و جهانی شدن به دلایل زیر از مهمترین موضوعات عصر حاضرند:

۱) مذهب بهترین وسیله برای تشریح نیازهای معنوی است و نقش مهمی را در تعریف چیستی، چگونگی و چرایی جهان ایفا می‌کند. بنابراین، می‌توان پاسخ بسیاری از پرسش‌های خود را در آن یافت (Pargament, 1999).

۲) معنویت، مذهب و جهانی شدن همگی تأثیر مهمی بر روی کیفیت زندگی و رفاه انسان‌ها دارند (Fogel, 2000).

بنابراین، در این مقاله سعی شده که رابطه بین معنویت و مذهب با جهانی شدن مورد بحث قرار گیرد.

### ۱-۱ جهانی شدن

به نظر می‌رسد که هیچ تعریف واحدی از واژه جهانی شدن وجود ندارد که بتواند به نحو مؤثری همه جنبه‌های این پدیده را توضیح بدهد. جهانی شدن در برگرنده ادغام بازارها، دولت - ملت‌ها و استفاده از فناوری در مقیاس گسترده است (Friedman, 1999). رابرتسون (۱۹۹۲) آن را فشردگی جهانی و افزایش آگاهی جهانی به صورت یک کل یکپارچه می‌داند (Robertson, 1992). واترز (۱۹۹۵) جهانی شدن را حذف مرزهای جغرافیایی از ترتیبات فرهنگی و اجتماعی جهان عنوان می‌کند (Waters, 1995). آلبرو (۱۹۹۶) آن را توزیع مؤثر اقدامات، ارزش‌ها، فناوری‌ها و تولیدات در سراسر جهان بیان می‌کند (Albrow, 1996). بک (۲۰۰۰) از آن به عنوان فرایندی که از طریق آن دولت‌های ملی مستقل توسط بازیگران چندملیتی با قدرت‌های متفاوت و هویت‌های مختلف، تضعیف شده‌اند نام می‌برد (Beck, 2000). میتلمن (۲۰۰۰) جهانی شدن را تغییر شکل تاریخی در اقتصاد (امرار معاش و شیوه‌های زندگی)، در سیاست (از دست دادن درجه اعمال کنترل بر واحدهای محلی) و در فرهنگ (کاهش ارزش موفقیت‌های جمعی) عنوان می‌کند (Mittleman, 2000).

در پاسخ به برخی از ابهاماتی که جهانی شدن را فرا گرفته‌اند، کوهن و نای (۲۰۰۰) بین جهانی شدن<sup>۱</sup> و جهانی‌سازی<sup>۲</sup> تمایز قائل شده‌اند. طبق نظر این دو دانشمند،

1 - Globalization

2 - Globalism

جهانی‌سازی حالتی از جهان است که در برگیرنده شبکه‌ای از روابط بهم پیوسته در فواصل بین قاره‌ای می‌باشد، در حالی که جهانی شدن و عدم جهانی شدن<sup>۱</sup> اشاره به افزایش یا کاهش جهانی‌سازی دارد (Keohane and Nye, 2000).

هلد و دیگران (۱۹۹۹) مفهوم‌سازی‌های مختلف درباره جهانی شدن را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: نگرش افراط‌گرایانه<sup>۱</sup>، نگرش شکاکانه<sup>۲</sup> و نگرش تحول‌گرایانه<sup>۳</sup>. نگرش جهانی شدن افراطی استدلال می‌کند که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که به سرعت در حال جهانی شدن است و دولت - ملت‌ها در معرض تغییرات عظیم سیاسی و اقتصادی هستند. این تغییرات دوگانگی دولت - ملت‌ها را تضعیف کرده و قدرت و اختیار آن‌ها را کاهش می‌دهد. شکاکيون با دیدگاه افراط‌گرایان مخالفت می‌کنند و عنوان می‌کنند که شرایط کنونی جهان آن طور که افراطیون بیان می‌کنند بی‌سابقه نیست، اگر چه آن‌ها اذعان می‌کنند که در سال‌های اخیر فعالیت‌های اجتماعی و بین‌المللی تشدید شده اما معتقدند که قدرت دولت‌ها آن‌گونه که افراطیون ادعا می‌کنند تضعیف نشده‌اند. تحول‌گرایان اشاره می‌کنند که جهانی شدن شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جدیدی را به وجود آورده است که می‌کوشد در قدرت‌های دولتی و شرایطی که آن‌ها اقدام می‌کنند تحول ایجاد کند. آن‌ها معتقدند که نتایج این تحولات قابل پیش‌بینی نیست اما تصریح می‌کنند که جهانی شدن در برگیرنده رابطه دولت - ملت نیست (Held et al, 1999).

## ۲-۱ تاریخچه جهانی شدن

در مورد آغاز دوره جهانی شدن یعنی دقیقاً هنگامی که جهانی شدن شروع شده است دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. برخی از پژوهشگران، سال ۱۴۹۲ میلادی (هنگامی که کریستوف کلمب در جستجوی ادویه‌جات به طور اتفاقی به آمریکا برخورد کرد) و برخی دیگر سال ۱۴۹۸ میلادی (هنگامی که واسکودوگاما سرتاسر

1 -Deglobalization

2 -Hyperglobalist

3 -Skeptical

4 -Transformationalist

آفریقا را دور زد) را به عنوان نقطه عطفی که حاکی از شروع جهانی شدن بوده است بیان می‌کنند (Bentley, 1996). عده‌ای دیگر جهانی شدن را با افزایش نفوذ غرب یا به صورت دقیق‌تر افزایش نفوذ آمریکا از زمان خاتمه جنگ سرد معادل می‌دانند. در حال حاضر اکثر پژوهشگران معتقدند که جهانی شدن نشأت گرفته از پیشرفت‌های عمده فناوری در انتقال، ذخیره و پردازش اطلاعات می‌باشد که از حدود دو دهه قبل آغاز شده است (Arrighi, 1999).

اقتصاددانانی مانند فرانک و گیلز (۱۹۹۳) استدلال نموده‌اند که فرایند جهانی شدن هیچ چیز جدیدی نیست و وجود نظام جهانی جدید که در آن ما در کنار هم زندگی می‌کنیم حداقل به ۵۰۰۰ سال قبل می‌رسد (Frank and Gills, 1993). تهرانیان (۱۹۹۹) عقیده دارد که جهانی شدن فرایندی است که از ۵۰۰۰ سال قبل ادامه داشته است اما او تأکید می‌کند که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ این فرایند تشدید شده است (Tehrani, 1999). بحث در مورد تاریخ طولانی جهانی شدن اخیراً توسط آمارتیا سن (۲۰۰۲)، برنده جایزه نوبل مورد توجه قرار گرفته است. او تصدیق می‌کند که فرایند جهانی شدن دارای قدمتی حداقل چند هزار ساله است اما غرب نقش کوچکی در مراحل اولیه آن ایفا کرده است. سن عنوان می‌کند که حتی در حدود هزار سال بعد از میلاد مسیح نیز جهانی شدن به وسیله کشورهای در شرق و نه در غرب آغاز شده بود. سپس مثل عصر حاضر، فرایند جهانی شدن به وسیله ظهور فناوری تشدید شده بود. فناوری روز در آن زمان متشکل از کاغذ و چاپ، باروت، ساعت و پنکه‌های چرخشی بود (Sen, 2002).

بر مبنای این بحث، به نظر می‌رسد که جهانی شدن در طول سالیان متمادی ایجاد شده است و چیزی که ما امروز آن را می‌بینیم استمرار این روند دیرینه اما با شدت بیشتر می‌باشد. فریدمن بین جهانی شدن در پیش از جنگ جهانی اول و جهانی شدن کنونی تمایز قائل می‌شود. او عنوان می‌کند که اگر هزینه‌های حمل و نقل در دوره پیش از جنگ جهانی اول کاهش یافت، کاهش هزینه‌های ارتباطات چیزی است که از جهانی شدن امروز ناشی شده است. به طور کلی اگر چه نقش فناوری و تعقل‌گرایی اقتصادی در ترویج و اشاعه جهانی شدن انکارناپذیر است، به نظر می‌رسد که در مورد نقش معنویت و مذهب در جهانی شدن شناخت کمی وجود دارد (Friedman, 1999).

بنابراین در ادامه با نگاهی به معنویت و مذهب، ارتباط این دو با جهانی شدن مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱-۲ معنویت<sup>۱</sup>

مفهوم معنویت طی دو دهه اخیر یکی از محوری‌ترین موضوعات در ادبیات مدیریت و علوم اجتماعی بوده است. کلمه معنویت از ریشه لاتین “Spiritus” به معنی روح و نفس زندگی گرفته شده است. اگر چه پژوهش‌های بسیاری طی دو دهه اخیر در مورد معنویت صورت گرفته، اما توافق کمی بر روی معنی دقیق این مفهوم وجود دارد (Moberg, 2002). بنر (1989) معنویت را پاسخ انسان به الطاف الهی که به رابطه با خودش معنا می‌دهد، تعریف می‌کند (Benner, 1989). بک (1986) معنویت را یک حالتی درونی یا نیرویی در درون فرد می‌داند (Beck, 1986). شنایدرز (1989) معنویت را تجربه‌ای آگاهانه در تلاش برای یکپارچگی افراد در زندگی‌شان و رهایی از عزلت و گوشه‌نشینی و بازگشت به ارزش‌های غایی خویش می‌داند (Schneiders, 1989). اما میرز (1990) معنویت را جستجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف زندگی عنوان می‌کند (Myers, 1990). ریچ (2000) معنویت را تسهیم خوشی‌ها و ناخوشی‌ها بین انسان‌ها و ایجاد پیوندهای عمیق بین آن‌ها می‌داند (Reich, 2000). پارگامنت (1997) معنویت را جستجوی حرمت و شأن انسانی می‌داند (Pargament, 1997).

در مطالعه‌ای که روف (1993) انجام داد، پاسخ‌دهندگان معنویت را به عنوان درگیری و مشارکت فعالانه و با انگیزه در زندگی و نیز ارتباط عاطفی با خدا بیان نمودند (Roof, 1993). اکرزلی (2000) تعریف ساده‌تری را بیان می‌کند، بدین ترتیب که معنویت یک احساس شهودی عمیق در مورد ارتباط و پیوند با دنیایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم (Eckersley, 2000). به طور کلی، آنچه که از این تعاریف استنباط می‌شود این است که معنویت در برگیرنده چهار عامل است:

۱) احساس درونی و ذاتی (۲) احساس معنا (۳) احساس بهم پیوستگی و پیوند با دیگران  
۴) احساس فرا انسانی (در رابطه با خداوند).  
بنابراین با تلفیق این چهار عامل می‌توان معنویت را این‌گونه تعریف نمود:  
"جستجوی معنا در خود و در روابط با دیگران به منظور شناخت دنیای مادی و  
فرامادی" (Kale, 2004)

## ۲-۲ مذهب<sup>۱</sup> (دین) و معنویت:

همان‌طور که عنوان شد، معنویت در برگیرنده جستجوی افراد برای کشف حقیقت خود و معنا و هدف واقعی زندگی است. معنویت لزوماً محدود و محصور به یک چهارچوب مذهبی خاص نمی‌شود و در واقع فرایند تمرکز درونی برای آگاهی از وجود خود و معنای واقعی کار و زندگی است. فرهنگ "فلسفه و مذهب"، مذهب را این‌گونه تعریف می‌کند:

"مذهب از ریشه لاتین "religare" به معنی پیوند با گذشته گرفته شده است و اشاره دارد به یک نهاد، همراه با پیام‌آورانی که اصول و قواعد را برای پرستش و عبادت گردآوری می‌نمایند و دربرگیرنده پیشنهادها و راهنمایی‌هایی برای هدایت افراد و شناخت ماهیت متعالی حقیقت می‌باشد" (Reese, 1999).

دین در تعریف دیگری، رابطه‌ای بر اساس ایمان تعریف شده که به تحمل مشکلات در راه اهداف انسانی معنا می‌دهد و راه‌های غلبه بر این مشکلات پایان‌ناپذیر را معرفی می‌کند (Davie, 2004).

پژوهشگران بسیاری تلاش نموده‌اند تا مذهب را از معنویت متمایز نمایند. شفرنک و گورسوش (۱۹۸۴) عنوان می‌کنند که معنویت فراتر از سازمان‌های مذهبی است (Shafransk and Gursush, 1984). زینبور و دیگران (۱۹۹۹) تلاش نمودند تمایز بین مذهب و معنویت را از طریق مطالعه تجربی روشن نمایند. آن‌ها نتیجه گرفتند که اغلب افراد بین مذهب و معنویت تمایز قائل می‌شوند. معنویت به عنوان بعدی بیشتر شخصی از عقاید معرفی شده، در حالی که مذهب به عنوان اعتقادات رسمی و نهادینه شده افراد بیان گردیده است (Zinnbauer and et al, 1999).

بر اساس تحقیق روف (۱۹۹۳) مذهب شامل آیین‌های مذهبی و وفاداری به اصول دینی است اما معنویت اغلب در ارتباط با انگیزه‌های عمیق درون افراد و روابط عاطفی آن‌ها با خداوند می‌باشد (Roof, 1993). در یک مطالعه دیگر پژوهشگران دریافتند که پاسخ‌دهندگان، بین مذهب و معنویت تمایز قائل شده‌اند. آن‌ها مذهب را موضوعی نامناسب (شخصی و خاص) برای بحث و گفتگو در محیط کار معرفی کردند در حالی که معنویت را موضوعی مناسب (غیر شخصی و مشترک) برای بحث و گفتگو در محیط کار عنوان نمودند (Mitroff and Denton, 1999). میرویس (۱۹۹۷) تفاوت بین مذهب و معنویت را این‌گونه عنوان می‌کند که مذهب مربوط به پاسخ‌هاست و معنویت در مورد پرسش‌ها (Mirvis, 1997).

دین و مذهب یکی از اصولی‌ترین روش‌ها برای تشریح نیازهای معنوی انسان‌هاست. مذهب مفهومی وسیع‌تر و گسترده‌تر از معنویت است. به طور کلی مذهب به عنوان نقشه‌ای از مسیر رسیدن به معنویت است. نقشه‌ای که در برگیرنده اعتقادات و نمادهایی است که قبل از ما نیز وجود داشته است. مذهب موجب پرورش و بارور نمودن معنویت می‌شود، اما معنویت تنها به یک مذهب خاص وابسته نیست (Kale, 2004).

### ۳ - نقش مذهب و معنویت در جهانی شدن

در تمام اعصار، اعتقادات مذهبی افراد تا حدودی ماهیت فعالیت‌های اقتصادی را درون جامعه تحت تأثیر قرار داده است (Mittlestaedt, 2002). همان طور که فناوری امکان انجام این فعالیت‌ها را در سراسر فواصل جغرافیایی امکان‌پذیر ساخته است، گاهی اوقات اعتقادات مذهبی برای سازگاری با روش‌های جدید در تجارت اصلاح شده‌اند (Stackhouse, 2001). گاهی اوقات دین و معنویت مانع از پذیرش فناوری‌های جدید می‌شوند و گاهی نیز ترویج آن فناوری‌ها را سرعت می‌بخشند.

برخی از اندیشمندان تأکید کرده‌اند که معنویت محرک اصلی نیاز به فناوری و جهانی شدن است (Friedman, 1999; Bauwens, 1997). مولدون (۲۰۰۲) عنوان می‌کند، مادامی که ما جهانی شدن را در واژگانی کاملاً مادی درک کنیم، درک ما از آن به صورت سطحی باقی خواهد ماند. او اظهار می‌کند که جهانی شدن نتیجه بینشی



صحیح از نظم جهان است. بینشی که به طور مشخص با گذشته مسیحیت اروپای غربی پیوند خورده است. جهانی شدن نه فقط به این دلیل وجود دارد که اروپاییان شبکه‌های تجاری را در سراسر جهان ایجاد کرده‌اند بلکه هم چنین به این علت است که آن‌ها همه انسان‌ها را به عنوان افراد تشکیل‌دهنده جامعه جهانی درک کرده‌اند (Muldoon, 2002). در واقع معنویت و مذهب صرفاً از جهانی شدن تأثیر نمی‌پذیرند بلکه در شکل‌دهی به آن نیز نقش دارند. اندور گرلی (۲۰۰۲) عنوان می‌کند که مردان و زنان هنوز به دنبال چیزی هستند که به آن تعلق دارند و آن‌را باور دارند. آن‌ها اشتیاق فراوانی به ایمان، اعتقاد و وحدت و یگانگی دارند. معنویت و مذهب این نیازها را برآورده می‌کند (Greely, 2001).

حذف مرزهای جغرافیایی موجب به وجود آمدن تهدیداتی علیه هویت افراد شده است و بنابراین انسان‌ها برای بازگشت به هویت خود به مذهب رجوع می‌کنند. جهانی شدن موجب می‌شود که افراد احساس کنند که به هیچ مکانی تعلق ندارند بنابراین نوعی احساس پوچی و از خودبیگانگی به آن‌ها دست می‌دهد. هر چند فن‌آوری ارتباطات کمک بسیاری در برقراری روابط میان افراد نموده است اما هم‌زمان حذف تعاملات فیزیکی، مسائلی را ایجاد کرده است. از این رو، مذهب کمک بسیار زیادی به کسب هویت می‌کند به این دلیل که مذهب موجب انسجام، اتحاد و یکپارچگی میان افراد می‌شود. مذهب به زمان و مکان وابسته نیست و افراد در هر زمان و مکانی می‌توانند آنرا همراه خود داشته باشند (Seckel, 1986).

یکی از مهم‌ترین جوانب جهانی شدن ظهور فن‌آوری اطلاعات و اینترنت است که افراد را در هر مکانی به یکدیگر وصل می‌کند. اینترنت نقش مهمی در توسعه معنویت و مذهب دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حدود نوزده میلیون سایت اینترنتی در مورد مسیحیت، دویست و سیزده هزار سایت در مورد اسلام، و ششصد و شصت هزار سایت نیز در مورد هندویان وجود دارد. هم چنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سه میلیون سایت اینترنتی نیز در مورد معنویت وجود دارد. بنابراین، اینترنت موجب می‌شود که افراد بتوانند دین و مذهب خود را بهتر به دیگران معرفی کنند و با عقاید دیگر ادیان و مذاهب بیشتر آشنا شوند. هم چنین، اینترنت نقشی اساسی در گسترش و توسعه معنویت در جهان امروز دارد (Brasher, 2001).

اگر چه بعضی از اندیشمندان معاصر در الهیات، به جهانی شدن به عنوان مانعی برای معنویت نگریسته‌اند (Stackhouse, 2000; Gaillardets, 2000). اما معنویت و جهانی شدن اغلب همگام با هم پیش رفته‌اند و هر کدام نیز جهت‌دهنده مسیر دیگری بوده است. در طول قرن‌ها و در تمدن‌های مختلف، استعاره غالب برای معنویت، مسافرت یا سفر دریایی بوده است. مسافرت یا سفر دریایی، ترک یک سرزمین و رفتن به سرزمین دیگر می‌باشد. به طور مشابه جهانی شدن، حمله ناگهانی و یورش به سرزمین‌های دور به صورت مجازی یا واقعی است. استعاره سفر، مجازاً پیوند میان مذهب و جهانی شدن را مورد تأکید قرار می‌دهد (Kale, 2004).

معنویت و مذهب نقشی کلیدی در هموار کردن مسیر برای جهانی شدن ایفا کرده‌اند. تلاش‌های اولیه برای فراتر رفتن از مرزهای ملی، عمدتاً از طریق دین و معنویت بوده است. در طول هزاران سال تبلیغ مذهبی به همان اندازه در مسافرت خارجی سهم داشته که جستجو برای طلا و ادویه‌جات نقش داشته است. ایدئولوژی‌های مذهبی از طریق کشیش‌ها و روحانیون در سراسر جهان منتقل شده‌اند. مذهب و معنویت هم‌چنین به صورت غیرمستقیم فرایند جهانی شدن را از طریق اقتصاد تحت تأثیر قرار داده‌اند. در سراسر تاریخ این دو مکمل فعالیت‌های اقتصادی بوده‌اند. در جوامع کشاورزی، فرهنگ دعا و نیایش برای باران همیشه رواج داشته است. در جوامع بازرگانی برای سفر امن و پرثمر همیشه دعا می‌شده است. مذهب و معنویت ماهیت تجارت را با مشخص کردن روزها و زمان مبادله، کالاهایی که می‌توانند مبادله شوند و اشخاصی که می‌توان با آن‌ها مبادله را انجام داد، تحت تأثیر قرار داده‌اند. بنابراین، مذهب و معنویت از عوامل مهم و اثرگذار بر جهانی شدن هستند و بدون توجه به این دو، این فرایند به موفقیت نخواهد انجامید.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله جهانی شدن به صورت مشروح مورد بحث قرار گرفت و رابطه آن با معنویت و مذهب بررسی شد. هم‌چنین، نشان داده شد که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فناوری که در اثر جهانی شدن به وجود آمده، موجب بیداری اندیشمندان و توجه آن‌ها به مذهب و معنویت شده است. این تغییرات به میزان زیادی فضای روحانی جهان

را تحت تأثیر قرار داده است. معنویت و مذهب صرفاً به جهانی شدن واکنش نشان نمی‌دهند بلکه آن‌ها آمیزه جهانی شدن را شکل می‌دهند. معنویت، مذهب و جهانی شدن از یکدیگر جدا نیستند و هر دو نقش مهمی در کیفیت زندگی و رفاه انسان‌ها ایفا می‌کنند. دانیل اک (۲۰۰۱) عنوان می‌کند که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که اقتصادها و بازارهایمان جهانی هستند، آگاهی سیاسی‌مان جهانی است، روابط بازرگانی‌مان ما را به هر قاره‌ای می‌کشاند و اینترنت ما را به همکارانمان در نقاط دوردست جهان وصل می‌کند. اما با این وجود ما هنوز هم در هر جمعه، شنبه یا یک شنبه با عقایدی درباره خدا و مذهب زندگی می‌کنیم که در هر جامعه‌ای متفاوت است (Eck, 2001). بنابراین، اگر چه جهانی شدن موجب یکپارچگی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... شده است، اما مذهب به عنوان یک عامل محلی هم چنان باقی مانده است. از این رو تفاهم و گفتگوی بین مذاهب و ادیان و توجه به معنویت و اعتقاد به حضور خداوند در تمامی عرصه‌های زندگی، نقش مهمی در تسهیل فرایند جهانی شدن، رفع موانع آن و احساس شادمانی و رفاه کلیه انسان‌ها دارد.

## منابع و مأخذ

## منابع فارسی

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۷)، راهی به رهایی: جستاری در زمینه عقلانیت، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.

## منابع لاتین

- Albrow, M. (1996). "the global age: State and Society beyond modernity". Cambridge: Polity.
- Arrighi, G. (1999). "the global market". **Journal World-System Research** 5 (2): 217 – 51
- Bauwens, M. (1997). Editors page. **computer-mediated Communicatoin** 4 (April) .
- Beck, C. (1986). " Education for spirituality". **Interchange** 17: 148 – 56
- Beck, U. (2000). "what is globalization?" Cambridge: Polity.
- Benner, D. G. (1989). "Toward a psychology of spirituality: Implication for personality and psychotherapy". **Journal of psychology and christianity** 5: 19– 30
- Bently, J. H. (1996). "Cross – cultural interaction and periodization in world history". **American Historical Review** 101: 749 – 70
- Brasher, B. E. (2001). "Give me that online religion". San Francisco: Jossey- Bass .
- Darie. b (2004) " **Religion in the process of Globalization** " , Socialoy of religion ; 65 , 1.
- Eck, D. L . (2001). "A new religious America: How a “christian country“ has become the worlds most religiously diverse nation". San Francisco: Harpercollins.
- Eckersly, R. (2000). " spirituality, progress, meaning, and value". **paper presented at the third Annual Conference on spirituality, Leadership , and Management** , Ballarat , Australia , December.

- Fogel , R . W . (2000) . "the fourth great awakening and the future of egalitarianism" . Chicago : University of Chicago Press .
- Frank , A . G ., B , K . Gills , eds (1993) . "the world system : five hundred years of five thousand ?" New York : Routledge .
- Friedman , T . L . (1999) . "the Lexus and Olive tree" . New York : Farrer , Strauses and Giroux .
- Gaillardetz , R . R . (2000) . "Transforming our days : Spirituality , Community and Liturgy in a technological culture" . New York : Crossroad .
- Gibbons , P . (2001) . "spiritualitu at work: A pre – theoretical overview" , MSC . thesis . University of London
- Greely , A . (2001) . "the future of religion in America" . **Society** 38 (3): 32 – 7 . Groothuis , D . 1997 . the soul in cyberspace . GrandRapids , MI Baker Books .
- Held , D ., A . McGrew , D . Goldblatt , and J . Perraton . (1999) . "Global transformation" . Cambridge : Polity
- Hinnells , R , J . (1995) . **An new dictionary of Religion** , Black well .
- Kale , H . S . (2004) . "Spiritulaity , Religion and Globalization" , **Journal of Macromarketing** , 24 , 2 : 92 – 107
- Keohane , R . O., and J . S . Nye , Jr . (2000) . "Globalization: whats new? whats not? (and so what?)" **Foreign Policy** 118: 104 – 19
- Mirvis, P. H.(1997). "“Soul work“ in organizations" . **organizations science** 8 (2) : 193 – 220
- Mitrof , I . E , Denton .(1999). "A study of sprituality in the workplace" . **Sloan Management Review** 40 (4) : 83 – 92
- Mittelman,J .H.(2000).**the globalization syndrome: transfor- mation and resistance"** .Princeton , NI : Princeton University Press .
- Mittelstaedt , J . D . (2002) . "A framework for understanding the relationship between religious and markets" . **Journal of Macromarketing** 22 (1) : 6 – 18
- Moberg , D . O . (2002) . "Religious and spirituality" . **social Compass** 49 (1) : 133 -38

- Muldoon , J . (2002) ." the medieval church and origins of globalization" . **Historically speaking** 3 (3) : 1 .
- Myers, E .(1990)."Wellness through the lifespan" .**Guidepost** 23: 11.
- Pragament , K . I . (1997) . "the psychology of religious and coping : theory , research , practice" . New York : Guilford .
- Pragament, K . I .(1999). "the psychology of religious and spirituality? Yes and No" . **International Journal for the psychology of religion** 9 (1) : 3 – 16
- Prabhu , J . (1999) . "Globization and the emerging workd order" . **ReVision** 22 (2) : 2 – 7
- Reese , W . S . (1999) . "the dictionary of philosophy and religion" . Amherst , NY : Promrtheus .
- Reich , K . H . (2000) . "what characterizes spirituality ? A comment on Pargament , Emmons and Crumoler , and Stifoss – Hansen" .**International Journal for the psychology of religion** 10 (2): 125 – 28
- Robertson , R . (1992) . "**Globalization : Social theory and global culture**" . Newbury Park , CA : Sage .
- Roof , W. C . (1993) . "A generation of seekers : the spiritual journey of the baby boom generation". San Francisco: HaperCollins .
- Sehneiders , S . M . (1989) . "Spirituality in the academy" . **Theological Studies** 50 (4) : 679 – 97
- Seckel , A ., ed . (1986) . "**Bertrand Russel on god and religion**" . Amherst . NY . Prometheus Books .
- Sen , A . (2002) . "**Globalization : Past and Present**" . Lecture 1 . Ishizaki Lectures .
- Shafnraske , E . P ., R , L . Gorsouch . (1984) . "factors associated with the perception of spirituality in psychology" . **Journal of Transpersonal psychology** 16 : 231- 41.
- Stackhouse , M . L . (2000) . "**God and Globalization**" . Harrisburg . PA : trinity.

- Stackhouse , M . L. (2001) . "From the old silk road to contemporary globalization and international economics exchange" .
- Swick , D . (2004) . "Haliton daily news" . [dswick@htn.ews.ca](mailto:dswick@htn.ews.ca) .
- Tehraniian , M . (1999). "**Global communication and world politics** : Dominatin Development, and discourse" . Boulder . CO : Lynne. Reinner .

